



قلمرو مفهومی مسلوب الاختیار بر اثر مستی (در رویکرد حقوق سلامت و پزشکی قانونی)

مهرداد تیموری

دانش آموخته دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

(نویسنده مسئول)

mehrdadteymoori1@gmail.com

محرم ایزدی اجیرلو

دانشجوی دکتری تخصصی، رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

izadiajirloo.m@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: برای آنکه کسی مسئول افعال خویش شناخته شود باید در حین ارتکاب جرم مختار باشد. یکی از مباحث بسیار مهم در حقوق اختیار است. چراکه تعیین و تشخیص مسلوب الاختیار بودن بر اثر مستی از جمله عوامل مهم در رافع مسئولیت کیفری به حساب می آید. از همین رو هدف از مقاله حاضر بررسی قلمرو مفهومی مسلوب الاختیار بر اثر مستی در حقوق سلامت و پزشکی قانونی است.

روش تحقیق: این پژوهش با استفاده از روش‌های گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تطبیق و انطباق آن با نظریات فقها، علماء و دکترین حقوقی با روش منطقی و استقلال عقلی به تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده پرداخته شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش حاکی از این است که قانون‌گذار ایران در موارد مختلف به موضوع مستی پرداخته است و هم‌چنین انواع و اقسام مستی تحت قالب مستی عمدی، مستی اتفاقی و مستی مزمن با احکام متفاوت را در قالب مسلوب الاختیار بودن بیان نموده است و به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری شناخته شده است. همچنانکه در پزشکی قانونی نیز به عنوان مرجع کارشناسی در خصوص اخذ گواهی، مبنی بر وجود الکل در خون فرد به منظور تصمیم‌گیری قضایی است.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج پژوهش مستی از عوامل رافع مسئولیت کیفری که همانند صغر و جنون امکان انتساب جرم را به مرتکب زایل می‌کند علی‌رغم اختلاف در تعریف مستی از نظر منشأ یا عوارض آن باید گفت که مقنن کیفری ایران مستی را به‌گونه‌ای که سالب اراده و اختیار فرد باشد در جرائم مستوجب قصاص مورد توجه قرار داده است. مع‌هذا با وجود این رفع خلأهای قانونی در خصوص امکان اخذ دیه یا بار کردن مجازات تعزیری بر قاتل مست؛ رفع ابهام در تأثیر مستی در مجازات‌های حدی و دیه؛ ضروری است و به نظر می‌رسد توسعه تعریف مستی به حالت‌های برخاسته از استعمال قرص‌های روان‌گردان و مواد مخدر با مصالح اجتماعی انطباق دارد.

کلید واژه‌ها: مستی، مسلوب الاختیار، مسئولیت کیفری، حقوق سلامت، پزشکی قانونی



مقدمه

یکی از مباحث بسیار مهم در حقوق اختیار می‌باشد اختیار از مهم‌ترین و مشکل‌ترین مباحث فکری بشر بوده و از دیرباز اندیشه انسان را به خود معطوف ساخته است این بحث آثار و نتایج بسیاری دارد و به جهت داشتن ابعاد متعدد در علوم مختلفی از جمله فلسفه، کلام و روانشناسی، اخلاق، حقوق و پزشکی قانونی مورد بحث قرار می‌گیرد در علم حقوق چگونگی شکل‌گیری و تحقق اختیار در جرم بودن یا نبودن عمل و میزان مجازات مؤثر است. لذا با توجه به وحدت ملاک در از بین رفتن عقل و به تبع آن، مختل شدن قوه تمییز و اراده افراد در مستی، باید مواد سکرآور غیر از مشروبات الکلی مانند مواد مخدر، قرص‌های روان‌گردان، مرقد و غیره را در تأثیر آن‌ها بر مسئولیت، ملحق به مشروبات الکلی (خمر و مسکرات) دانست. از نظر فقه امامیه، چنین افرادی از حیث مسئولیت مدنی در حکم مجنون بوده و اعمال حقوقی ایشان همچون بیع، اجاره، وقف و غیره صحیح نبوده و تأثیری ندارد و اقرار ایشان نیز پذیرفته نمی‌شود؛ در خصوص اقرار، عدم صحت اقرار فرد مست است؛ در خصوص حدود ازاله عقل باعث نمی‌شود که فرد در حکم مجنون قرار گیرد و اصل اولیه اقامه حدود بر فردی است که در حال مستی مرتکب جرم حدی شده است، مگر اینکه مستی او از روی عمد یا عسین نباشد؛ و در خصوص قصاص سه نظر مبنی بر ثبوت قصاص بر فرد مست (فردی که مستی او از روی عمد و عسین بوده است)، عدم ثبوت و قائل شدن به تفصیل بدین شرح که اگر فرد بداند در صورت مستی مرتکب جرم خواهد شد، قصاص بر وی ثابت باشد و در صورتی که توجهی به این احتمال نداشته باشد، قصاص ثابت نباشد، وجود دارد که نظر سوم ارجح است (حسینی، امین فرد و فرشی، ۱۳۹۴: ۳۳). در خصوص حالت مستی تعاریف مختلفی می‌توان ارائه داد؛ زیرا مستی هم به لحاظ اسباب و هم علائم آن قابل تعریف است. فقها در مورد مسئولیت ناشی از مستی دو دیدگاه دارند؛ برخی شخص مست را به خاطر عدم اراده مسئول ندانسته و برخی از باب «الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار» شخص مست را مسئول اعمال ارتكابی او دانسته‌اند که نظر صحیح عدم مسئولیت شخص مست در حالت مستی است (صفری، ۱۳۹۶: ۲۹). با توجه به مبانی دینی و فرهنگی جامع ما یکی از انواع آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی در بین افراد جامعه، استفاده از مشروبات الکلی است که روزبه‌روز تعداد زیادتری به آن دچار و از همه بدتر اینکه نسل جوان که ذخیره آینده کشور هستند، بیش از همه در معرض این آسیب اجتماعی خطرناک قرار گرفته‌اند. طبق آموزه‌های دینی حتی درصد کمی از الکل نیز مجاز شمرده نشده است. پس بدون توجه به میزان مصرف آن، استفاده آن در جامعه مورد مطالعه مسأله آور است، اما متأسفانه، در قرن‌های اخیر نوشیدن مشروبات الکلی و رواج آن باعث اعتیاد به آن و تبدیل به یک معضل اجتماعی شده است و به‌عنوان تراژدی غم‌انگیز پیامدهای ناگواری داشته و جنبه‌های متفاوت زیستی، روحی، اقتصاد و روابط اجتماعی و زندگی انسان‌های زیادی را تحت تأثیر قرار داده است. هم‌چنین در مورد معضل مشروبات الکلی و راهکارهای مقابله با آن باید یادآور شد که افزایش روزافزون این آسیب اجتماعی (مصرف مشروبات الکلی) در بخش‌های جامعه به‌خصوص در بین تعداد زیادی از جوانان لزوم پرداختن به این امر و پیدا کردن منشأ آن و یافتن راه‌حلی برای آن و برگزیدن راهی مناسب در حیطه شایستگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی را دوچندان می‌کند (رضا دوست، هاشمی و زکوی، ۱۴۰۰: ۳۵-۳۶). گرچه بررسی تأثیر مصرف مشروبات الکلی بر سلامتی از دیرباز مورد توجه پزشکی بوده، اما شناسایی هرچه دقیق‌تر مفهوم و گستره آن بر تصمیمات قضایی تأثیر چندانی دارد. از همین رو مقاله حاضر ضمن بررسی انواع و اقسام مستی به تبیین قلمرو مفهومی مسلوب الاختیار بر اثر مستی در حقوق سلامت و پزشکی قانونی به‌عنوان رافع مسئولیت کیفری می‌پردازد.

۱- روش تحقیق

در این تحقیق با استفاده از روش‌های گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تطبیق و انطباق آن با نظریات فقها، علماء و دکترین حقوقی به دنبال تبیین دقیق ماهیت اختیار و تفکیک مرز آن از مفاهیم مشابه دیگر چون قصد و اراده و رضا می‌باشیم طبیعتاً تبیین دقیق ماهیت اختیار و تفکیک مرز از مفاهیم نزدیک به آن بالأخص اراده می‌تواند آثار بسیار زیادی در حقوق سلامت ایجاد کند.



۲- یافته‌ها

بر اساس یافته‌های پژوهش قانون‌گذار ایران در موارد مختلف به موضوع مستی پرداخته است و هم‌چنین انواع و اقسام مستی تحت قالب مستی عمدی، مستی اتفاقی و مستی مزمن با احکام متفاوت را در قالب مسلوب الاختیار بودن بیان نموده است و به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری شناخته شده است. همچنانکه در پزشکی قانونی نیز به عنوان مرجع کارشناسی در خصوص اخذ گواهی، مبنی بر وجود الکل در خون فرد به منظور تصمیم‌گیری قضایی است.

۱-۲- مفهوم شناسی

به‌منظور تبیین مفاهیم به‌کاررفته در مقاله حاضر در ادامه بحث به تعریف مفهوم مستی، مسئولیت کیفری و رافع مسئولیت کیفری می‌پردازیم.

۱-۱-۲- مستی

مستی عبارت است از حالتی که از نوشیدن مشروبات الکلی یا مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان مسکر مانند شراب خمر و غیره در انسان پدید آید. قانون‌گذار اسلامی نوشیدن مسکر را به‌خودی‌خود خواه مست کند یا نکند جرم شناخته است. درواقع قانون‌گذار مطلق شراب‌خواری و میگساری عمدی را منع کرده است و نه مستی را که ممکن است در بعضی از احوال رافع مسئولیت کیفری به شمار رود. مهم‌ترین ماده مست‌کننده الکل است ولی آثار مستی با مصرف مواد دیگری مانند عطر نیز در انسان پدیدار می‌شود الکل زهری بی‌هوش‌کننده و خواب‌آور است به این دلیل مستی را مسمومیتی حاد ناشی از نوشابه‌های الکلی تعریف کرده‌اند بعضی از نویسندگان مراحل سه‌گانه‌ای را در مستی از یکدیگر بازشناخته‌اند که با نشانه‌های همراه است. (اردبیلی، ۱۳۸۵-ج ۲: ۸۸). مشروبات الکلی، عبارت است از هر ماده‌ای که حاوی الکل باشد و برای لذت بردن استفاده شود، مانند شراب، آبجو، ویسکی، وودکا و آبمیوه‌های الکلی (دائمی، ۱۳۹۲: ۱۴). بدین سان مستی حالتی است که بر اثر مصرف مشروبات الکلی یا استعمال هر ماده شیمیایی دیگر از قبیل مواد مخدر، روان‌گردان و امثال آن‌ها ایجاد می‌شود.

۲-۱-۲- مسئولیت کیفری

مفهوم مسؤلیت کیفری گاه به قابلیت شخص برای تحمل کیفر و زمانی به تحمیل تبعات رفتاری شخص بر وی، اطلاق می‌شود. مورد نخست را که همان اهلیت کیفری است و عناصر سازنده‌ی آن ادراک و اختیار می‌باشد مسؤلیت انتزاعی یا بالقوه و مورد دوم را مسؤلیت واقعی یا بالفعل می‌نامند. تفاوت اساسی دو مفهوم فوق آن است که لازمه‌ی وجود مسؤلیت بالقوه در شخص، وقوع جرم در خارج نیست اما جهت تحقق مسؤلیت بالفعل علاوه بر مسؤلیت بالقوه و تقصیر، وجود جرم نیز به‌عنوان موجب و مقتضی ضروری است (رعیتی، ۱۳۸۲: ۱۰۱). مسؤلیت کیفری یعنی توانایی (قابلیت) انتساب فعل یا ترک فعل قابل مجازات یا اقدامات تأمینی به کسانی که توان تحمل بار مجازات یا اقدامات تأمینی را داشته باشند (صفری، ۱۳۹۶: ۲۹).

۲-۱-۳- رافع مسؤلیت کیفری

مسؤلیت، حلقه اتصال جرم و مجازات می‌باشد مجازات و یا اقدام تأمینی فرع بر این قابلیت است از همین رو صرف ارتکاب جرم، دلیل بر مسؤلیت به‌صورت یکسان نیست بلکه شرایط ایجابی و سلبی مختل، می‌تواند دخیل باشد فقه به‌مثابه دانش بیانگر تکالیف افراد را با شرایطی (بلوغ، عقل و اختیار) مسؤل اعمال خویش می‌داند به استناد حدیث رفع القلم، اجمالاً مسؤلیت از افراد فاقد این شرایط، برداشته شد است. یکی از موارد مؤثر بر مسؤلیت کیفری، مستی در حین ارتکاب جرم است مستی حالتی است که معمولاً سالب کنترل بر رفتار است گویی فلسفه معافیت مست از کیفر آن است که در این حالت، قصد و اختیار کامل وجود ندارد نبود اختیار و قصد در شخص مست و او را همانند هوشیار تلقی کردن، کیفر را ناموجه، نا مدلل و غیرعادلانه می‌کند (ارژنگ و شاکر، ۱۳۹۹: ۸). لذا حالات ذهنی و درونی که علی‌رغم وقوع جرم، موجب رفع مسؤلیت کیفری از شخص فاعل شده و مانع مجازات وی می‌گردند، علل رافع مسؤلیت کیفری نامیده می‌شوند (مرتضی و داعی، ۱۳۹۹: ۳۳). که مستی یکی از عوامل رافع مسؤلیت کیفری است.



۲-۲. مستی در پزشکی قانونی

پزشکی قانونی به کارگیری دانش پزشکی و رشته‌های وابسته به آن در تشخیص امور جنایی و مانند آن است. در اجرای قوانین کیفری و مدنی (مانند سن بلوغ) گاه نظر پزشک خبره جهت تشخیص نوع و مقدار آسیب وارد شده و نیز برخی امور دیگر، ضرورت می‌نماید. چنین کارشناسی‌ای در اصطلاح، پزشکی قانونی نامیده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۱۰۷۶). پزشکی قانونی در حقیقت به صورت بین‌رشته‌ای مستحدث از علوم پزشکی و علوم قضایی است.

مصرف الکل در طول عمر با افزایش مصرف آن موجب اختلال اراده می‌گردد. خطرات کوتاه‌مدت ناشی از مصرف الکل به طور چشمگیری با افزایش تعداد دفعات الکل افزایش می‌یابد. کوتاه‌مدت ناشی از مصرف الکل مانند حوادثی که بر اثر سوانح رانندگی ایجاد می‌شود، بلافاصله پس از مصرف الکل است. مصرف الکل یکی از مهم‌ترین عوامل قابل‌پیشگیری مرگ است. با توجه به اهمیت روزافزون بیماری‌های مرتبط با سبک زندگی (از جمله سوءمصرف الکل) وجود راهنماهای بالینی مبتنی بر شواهد منطبق بر شرایط فرهنگی و اقتصادی در هر کشوری الزامی می‌نماید (فرومدی، ۱۴۰۰: ۳۶۳).

در سال اخیر بیش از سه میلیون مرگ در جهان بر اثر سوءمصرف الکل روی داده است. سوءمصرف الکل همچنین عامل ۵٪ بار کل بیماری‌ها است. باین وجود مصرف الکل یکی از مهم‌ترین عوامل قابل‌پیشگیری مرگ است. خطر مشکلات ناشی از مصرف مسکر از جرائم حدی و از نوع حق‌اللهی است که اثبات آن، مشمول قواعد سخت‌گیرانه‌ای است. مصرف خمر و سایر مسکرات، آثار و تبعات ناخوشایند و نامطلوبی از لحاظ روحی و روانی دارد. امروزه ثابت شده است که اسلام در برخورد با مساله مسکرات، راه راست و درستی را برگزیده است. علم کنونی نیز ثابت کرده است که مواد الکلی به‌راستی، ام‌الخبائث و ریشه همه تبهکاری‌ها و مفسده‌هایی است که مایه از میان رفتن عقل، فکر، سلامت و ثروت و گسیختگی نظام خانواده می‌شود. (دهداری فر و جزایری، ۱۴۰۱: ۳۱).

با توجه به اینکه این موضوع مورد اختلاف است و آرای دادگاه‌ها نیز در این خصوص متعارض است، بدین صورت که برخی دادگاه‌ها به استناد نظریه پزشکی قانونی مبنی بر وجود الکل در خون فرد متهم، حکم به حد مصرف مسکر می‌دهند در حالی که برخی شعب دیگر، به دلیل وجود احتمال خطا و اشتباه، چه در مرحله اخذ آزمایش و چه در انجام و اعلام نتیجه آزمایش و هم‌چنین به دلیل وجود شبهه و جریان قاعده درء، حکم به حد مصرف مسکر به استناد گواهی پزشکی قانونی نمی‌دهند. آرای که موافق پذیرش گواهی پزشکی قانونی، مبنی بر وجود الکل در خون فرد، برای صدور حکم به حد مصرف مسکر هستند، عبارت‌اند از:

۱. وجود الکل در خون، به‌عنوان اماره شرب خمر: نظریه آزمایشگاه، دال بر وجود الکل در خون متهم، می‌تواند اماره قضایی، مبنی بر شرب خمر توسط متهم باشد که البته به‌تنهایی مثبت حد نیست، بلکه به همراه دلایل دیگر می‌تواند مثبت حد شرب خمر باشد.

۲. کفایت گواهی پزشکی قانونی برای اثبات شرب خمر: اگر متهم برای آزمایش الکل به پزشکی قانونی فرستاده شود و گواهی پزشکی قانونی، متعاقب اخذ تست الکل، بیانگر وجود مقادیر بسیار زیادی الکل در بدن متهم باشد، این امر می‌تواند موجب علم قاضی و اثبات‌کننده حد شرب خمر باشد.

۳. جواز عمل به علم قاضی برای اثبات حد شرب خمر: قاضی می‌تواند با توجه به نتیجه آزمایش سنجش الکل در خون فرد متهم و نحوه دستگیری او و سایر قرائن موجود در پرونده، به علم رسیده و طبق ماده ۱۶۲ قانون مجازات اسلامی، فرد را محکوم به حد شرب خمر کند.

۴. عدم اعتبار نظریه پزشکی قانونی در اثبات حد شرب خمر: صرف نظریه پزشکی قانونی به لحاظ احتمال خطا در اخذ و یا اعلام نتیجه آزمایش، دلیل شرعی و قانونی برای اثبات جرم شرب خمر که از جرائم حدی است، محسوب نمی‌شود (دهداری فر و جزایری، ۱۴۰۱: ۴۵).



۲-۳. مستی در حقوق

در حقوق کیفری ایران مستی ارادی در صورتی رافع مسؤولیت کیفری شناخته نمی‌شود که مستی با قصد ارتکاب جرم صورت گیرد. البته در ایران مستی موجب انتفای مسؤولیت کیفری در قتل عمدی نمی‌گردد (فتحی، ساریخانی و رضایی، ۱۴۰۰: ۷۹). در فقه اسلامی فرد تحت شرایط خاصی، مسئول خطا و جرم ارتكابی خود نیست. به عبارت روشن‌تر در صورت داشتن شرایطی همانند فقدان اختیار و اراده نمی‌توان او را مسئول اعمال ارتكابی خود دانست. در حقوق موضوعه نیز مستی تحت عنوان عوامل رافع مسؤولیت کیفری مورد توجه قانون‌گذار بوده و همواره مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در مستی اصل بر مسؤولیت شخص است مگر این‌که مطابق قانون ثابت گردد که مستی به منظور ارتکاب جرم نبوده و شخص مست، به‌طور کلی مسلوب الاختیار بوده است. از آنجاکه مستی به‌عنوان عاملی که بر عقل یا اختیار تأثیر می‌گذارد در صورتی که شخص بی‌اختیار یا از روی اجبار مست شود بدیهی است که فاقد مسؤولیت کیفری است، اما شرب خمر بدون قصد ارتکاب جرم دارای مجازات حد شرب است. مطلب مهم دیگر در حال مستی، مسلوب‌الاراده شدن شخص در زمان ارتکاب جرم است به این معنی که اگر شخص در حالت اجبار یا اکراه مرتکب استعمال موادی گردد ولی اراده خود را به کلی از دست ندهد، موجب رفع مسؤولیت کیفری نمی‌باشد. حالت دیگر در زمانی است که مرتکب در زمان شرب مسکر، احتمال وقوع جرم را بدهد و یا با اختیار خود را مست نماید، در این صورت شخص دارای مسؤولیت تام است، اما بدیهی است در صورتی که مستی به‌منظور ارتکاب جرم باشد، جرم عمدی و مجازات مرتکب تشدید خواهد شد. ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در این زمینه بیان می‌دارد: «مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آن‌ها، مانع مجازات نیست مگر این‌که ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به‌طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به‌منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هردو جرم محکوم می‌شود» (اخگر، ۱۳۹۷: ۱۰). هم‌چنین، در فقه اسلامی تعلق تکلیف به افعال اشخاص مست و نفوذ تصرفات قولی و فعلی و آثار وضعی این تصرفات، مورد بحث و مناقشه اصولیان و فقیهان واقع شده است. در حالی‌که اصولیان با تکیه بر شروطی چون توانایی فهم تکلیف از سوی مکلف و از راه قیاس بر نائم، غافل و مجنون قائل به عدم تعلق خطاب‌التکلیف به تصرفات شخص مست هستند و تنها از حیث خطاب‌الوضع با تحلیل مسأله به ترتب مسیبات بر اسباب، مست را مأخوذ و ملتزم به عواقب اقوال و افعال خود می‌دانند. مست متعددی که بدون وجود یکی از معاذیر شرعی نظیر اکراه و اضطرار از روی علم و عمد، شرب مسکر نموده است، به دلیل اختیار و آگاهی در ایجاد حالت مستی و از سوی دیگر به جهت ارتکاب محرمات شرعی، مستوجب تنبیه و تغلیظ و التزام به عواقب اعمال خود است. در مقابل مست معذور که مستی وی مأذون به اذن شرع و از باب اخذ به رخصت بوده است، از تحمل عواقب اعمال و اقوال خود معاف به شمار می‌آید (علوی و مریوانی، ۱۳۹۱: ۱۲۱).

با توجه به مبانی اعتقادی و اصول اسلامی حاکم بر جامعه، شرب خمر و مسکرات از جمله بزه‌های کیفر دار محسوب می‌شود. شراب و دیگر مسکرات نیز بدون در نظر گرفتن منبع تولید آن طبیعی یا مصنوعی در دین اسلام تحریم شده و شرب آن مستحق حد گردیده است. مسلمانان واقعی شیعه و سنی نیز در این باب با هم اجماع داشته و شرب خمر را حرام می‌دانند. تنها برخی از فرقه‌های گمراه و تحریف شده با قبول شرایطی شرب خمر را حرام نمی‌دانند. هم‌چنین، در موضوع شرب مسکرات، فقهای شیعه و سنی هر دو آن را از گناهان کبیره دانسته و آن را مستحق حد و تعزیر دانسته‌اند، هم‌چنین مواد صنعتی و شیمیایی و مخدوری جدید و امروزی مانند روان‌گردان‌ها و... حکم مسکرات‌اند (دهقانی، ۱۴۰۰: ۴۱۱). قانون‌گذار مجازات اسلامی در ادوار مختلف قانون‌گذاری، به تبعیت از دیدگاه فقهی مشهور، اصل اولی را بر مسؤولیت کیفری مرتکبان جرم در حال مستی بنا نموده و برای آن استثنائاتی قائل شده است. اتخاذ چنین رویکردی، افزون بر همسویی آن با اصول انصاف و نظم عمومی، از مبانی مستحکم فقهی و حقوقی نیز برخوردار است. با این وصف، در ضوابط اعمال این رویکرد در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تحولات قابل ملاحظه‌ای رخ داده است: تمییز بین مستی اختیاری و غیر اختیاری، تعمیم منشأ مستی از خمر به مواد مخدر و داروهای روان‌گردان و



نظایر آن، تغییر در شرایط اعمال برخی از ضوابط احراز مسؤولیت کیفری همچون تقیید قصد قبلی از مطلق جرم به قصد قبلی برای وقوع جرم موردنظر، پیش‌بینی ضابطه نوین علم به وقوع جرم، تمایز بین عهده‌دار اثبات ضوابط مسؤولیت کیفری در قبال جرائم ارتكابی در حال مستی و تصریح قانونی به مسئول پرداخت دیه جنایت ارتكابی در حال مستی، از مهم‌ترین تحولات و رویکردهای نوین قانون‌گذار مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است. با این وجود، قانون یاد شده از برخی ابهامات و نارسایی‌های قانونی نظیر ابهام در نوع قتل در شرایطی که مستی به منظور قتل شخص معین بوده و به اشتباه، شخص دیگری کشته می‌شود، ابهام در نوعی یا شخصی بودن معیار علم به وقوع جرم، ابهام در نوع و میزان مجازات تعزیری مقرر در ماده ۳۰۷ و تعارض یا عدم تعارض مواد ۱۵۳ و ۳۰۷ با مواد ۱۲۰ و ۱۲۸ قانون یاد شده، رنج می‌برد (حسنی و شاهچراغ، ۱۳۹۹: ۱۸۵).

۲-۴. انواع و اقسام مستی

در نظام کیفری ما قانون‌گذار احکام متعددی درباره مستی وضع نموده است که متناسب با وضع بزهکار و موقعیت ارتكاب جرم در حال مستی است؛ با توجه به تأثیری که مستی بر مسؤولیت کیفری دارد در هر یک از اقسام احکام مذکور متفاوت است؛ که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۴-۱. مستی تعمدی

مستی تعمدی، گونه‌ای از مست شدن است که فرد به قصد ارتكاب جرم و یا با علم تحقق جرم در آن وارد می‌شود یعنی فرد با سوءنیت و قصد قبلی برای افزایش جسارت و جرأت بیشتر در ارتكاب جرم، خود را مست می‌کند (اردبیلی، ۱۳۹۲-ج ۱: ۱۶۹). مستی تعمدی به هنگامی است که بزهکار عمداً شرب مسکر نموده است تا بتواند جرم را با قوت قلب بیشتری مرتکب شود همچنان که طبق ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی «مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آن‌ها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتكاب جرم به طور کلی مسلوب الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتكاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم موردنظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود»؛ بنابراین؛ قصد پیشینی بزهکار بر ارتكاب جرم با علم به چگونگی تأثیر مستی که ممکن است حتی به سلب اراده منتهی شود مسؤولیت کیفری را از او بر نمی‌دارد. هم‌چنین حکم مستی تعمدی در ماده ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی نیز به این صورت بیان شده است که «ارتكاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و مانند آن‌ها، موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب الاختیار بوده است که در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتكاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد».

۲-۴-۲. مستی اتفاقی

مستی اختیاری و با عدم قصد ارتكاب جرم و یا با عدم علم و آگاهی به تحقق جرم و بی‌اطلاعی از آثار آن در خود، به مستی اتفاقی نامبرده شده است (علی‌آبادی، ۱۳۸۵: ۹۲). مانند این که شخصی به قصد تفریح یا هیجان، خود را مست کرده باشد و اتفاقاً و ناخواسته دست به ارتكاب جرم بزند. بدیهی است صرف مستی، احراز و اثبات آن؛ مانع مجازات نیست و باید مرتکب به استناد ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی به کلی مسلوب الاختیار شده باشد. عبارت «مسلوب الاختیار» نوآوری ماده مزبور است که جایگزین تعبیر «مسلوب الاراده» مذکور در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ شده است. گویی مستی اصولاً «اختیار» را می‌گیرد نه «اراده» را. شخص در حالت مستی، اراده دارد، اما کنترل بر اراده اختیار را که به علت مستی ضعیف شده است ندارد. عبارت



«بی‌ارادگی» در فراز نخست ماده ۱۵۴ نارساست به‌ویژه آنکه متعاقب واژه مذکور و بافاصله بسیار کوتاهی، قید «مصرف اختیاری» به‌کاررفته که در تقابل با «بی‌ارادگی» است. شاید منظور قانون از این واژه حالت اشخاص معتاد یا دائم‌الخمری است که در برخورد با مواد مخدر و مسکرات، ناتوان بوده و اختیاری از خود ندارند. بدین‌سان تفاوتی میان مستی فرد متعارف و شخص معتاد وجود نداشته و هر دو حکم واحدی دارند. باین‌حال و به‌رغم تأکید ماده مذکور مبنی بر معافیت مرتکب از مجازات، با دو شرط زوال اختیار و عدم تعمد و یا آگاهی به ارتکاب جرم در حالت مستی، در مواد دیگر مقررات خاصی پیش‌بینی شده و این عمومیت، تخصیص‌یافته است (ارژنگ و شاکر، ۱۳۹۹: ۱۸). اگر کسی بر سبیل اتفاق مست شده باشد به این معنی که از تأثیری که مسکر بر روان او دارد ناآگاه بوده و اراده از او کاملاً سلب شده باشد برای جرمی که در حال مستی مرتکب شده باشد مسئول قلمداد نمی‌شود ولی اگر عادتاً به شرب مسکر مبادرت کند یعنی به تجربه تأثیر مسکر را بر روان خود دریافته باشد و درحالی که اختیار از کف داده است اتفاقاً مرتکب جرم شود بعید به نظر می‌رسد که بتوان از او سلب مسئولیت کرد.

۲-۴-۳. مستی مزمن

اعتیاد شدید به مصرف مشروبات الکلی موجب مستی مزمن است. مصرف مفرط مشروبات الکلی در زمان طولانی دگرگونی‌های روانی و جسمانی عمیق در انسان ایجاد کرده و فرد را هذیان‌گو می‌کند. ضعف روزافزون حافظه، کاهش تدریجی دقت اختلال قوای عالی مانند اختلال در قضاوت و استدلال، بخشی از تغییرات فرد در مرحله پیشرفته وابستگی به الکل است (اردبیلی، ۱۳۹۲- ج ۱: ۱۷۰). عبارت «مست لایعقل» بیشتر در مورد این دسته از افراد صادق است. هرچند ارتباط میان الکل و جرم، پیچیده است؛ اما تحقیقات نشان می‌دهد که تعداد زیادی از مجرمان قبل از ارتکاب جرم الکل مصرف کرده‌اند (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۲۰۸). باین‌حال مستی مزمن یا اعتیادی چنانچه موجب زوال اختیار نشود، مسئولیت کیفری را زایل نمی‌کند. در تمام موارد مستی اتفاقی یا مستی مزمن، صرف‌نظر از قابلیت مجازات بابت جرم ارتکابی مجازات خود مستی باید تعیین شود. اگر مصرف زیاد الکل به مرحله صدق عنوان مجنون بر فرد شود، رافع مسئولیت کیفری خواهد بود در قالب جنون ادواری و احکام ویژه (ارژنگ و شاکر، ۱۳۹۹: ۲۲). مصرف مفرط الکل در زمانی طولانی ممکن است دگرگونی‌های روانی؛ جسمانی عمیق در انسان ایجاد کند مهم‌ترین آشفتگی‌های روانی؛ می‌بارگی (الکلیسم) حالت هذیان‌گویی است کاهش روزافزون حافظه؛ ضعف تدریجی دقت؛ اختلال قوای عالی روانی مانند اختلال قضاوت و استدلال تغییرات حالت روانی در مرحله پیشرفته وابستگی به الکل است به‌طورکلی زایل‌کننده قصد و اختیار خاص تنها مصرف الکل نیست و مواد مخدری هم که به‌عنوان مصرف داروهای خواب‌آور و آرام‌بخش در دسترس عموم است متناسب با میزان مصرف آن‌ها دگرگون‌هایی روانی همانند الکل در انسان پدید می‌آورد مانند بری‌توریک‌ها که همان مستی الکی را تولید می‌کند و نشانه‌های از قبیل نقصان کنش‌های ذهنی؛ اغتشاش شعور؛ قضاوت خطا و غیره در انسان ظاهر می‌سازد این نوع مستی را در اصطلاح مستی خشک نامیده‌اند لذا این نوع مستی باآنکه از چشم قانون‌گذار به دورمانده مشمول حکم کلی و در صورتی که از فاعل سلب اختیار کند رافع مسئولیت کیفری است.

۲-۵. مفهوم مسلوب اختیار

از آنجاکه تبیین مفهوم مسلوب اختیار از سویی بستگی تام به تعیین مفهوم دقیق اختیار دارد و از سویی درگرو تفکیک این نهاد حقوقی از مفاهیم مشابه و نزدیک به آن است پیش از ورود به مبحث اصلی یعنی جایگاه اختیار در حقوق جزا لاجرم این دو موضوع را مورد بحث و بررسی مشروح قرار می‌دهیم اختیار را به توانایی انتخاب تعریف می‌کنیم بدین معنی که فرد توانایی این داشته باشد که از بین چند موقعیت مقدور و ممکن اراده خود را متوجه فعل خاصی کند بدون اینکه تحت فشار داخلی و خارجی غیرقابل تحمل ناچار به انتخاب فعل گردد اینجاست که مفهوم اختیار از مفاهیم مشابه اراده؛ قصد؛ رضا و قدرت متمایز می‌گردد. چراکه اراده به معنای توانایی خواستن؛ قصد به معنای خواستن؛ رضا به معنای طیب نفس و قدرت به معنای توانایی انجام فعل



دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت شهری حقوقی پزشکی فراروی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



متفاوت از توانایی انتخاب است. ضرورت تفکیک اختیار از مفاهیم مشابه به این دلیل است که عده‌ای از علماء از جمله قانون‌گذار در مواردی بین معنایی اختیار و مفاهیم مشابه یاد شده خلط کرده‌اند چنانچه هم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و هم در قانون فعلی مصوب ۱۳۹۲ نشانه‌های در خصوص این رویکرد دیده می‌شود چنانچه که در قانون مصوب ۱۳۷۰ قانون‌گذار در بخش کلیات ماده ۵۳ در بحث از مستی شرط رفع مسئولیت مسلوب الاراده بودن می‌داند در حالی که بحث از مستی در قتل ماده ۲۲۴ با وجود یکسانی شرایط با ماده ۵۳ از اصطلاح مسلوب الاختیار سخن به میان می‌آورد قانون‌گذار فعلی این اشکال را رفع کرده است و در بحث از مستی در هر دو بخش کلیات و قتل مادتهای ۱۵۴ و ۳۰۷ قانون مجازات اسلامی اخیر التصویب از اصطلاح مسلوب الاختیار استفاده کرده است.

به‌طور کلی دودسته نظر در مورد جایگاه اختیار در حقوق جزا وجود دارد عده‌ای آن را مؤثر در مسئولیت کیفری دانسته و با فقد آن مسئولیت را از مجرم رفع می‌کند و عده‌ای آن را مؤثر در تکوین جرم می‌دانند و معتقدند با زوال آن اصولاً جرم واقع نمی‌گردد قانون‌گذار در این خصوص برخورد دوگانه‌ای را در پیش گرفته است به‌گونه‌ای که از طرفی در ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در بخش چهارم در بیان شرایط و موانع مسئولیت کیفری قانون‌گذار اشعار می‌دارد «مسئولیت کیفری در حدود؛ قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم عاقل؛ بالغ و مختار باشد به‌جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم قصاص آمده است». اشکالی که پیش می‌آید این است که قانون‌گذار اختیار در معنای واقعی آن به‌عنوان مفهومی مستقل از اراده بکار نبرده است این نکته از آنجا قوت می‌گیرد که قانون‌گذار در ابتدای ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مستی را در معنای بی‌ارادگی بکار برده است مسلم است که آنچه در مستی باعث رفع مجازات از شخص مست می‌گردد زوال اراده است نه اختیار هرچند که با زوال اراده صحبت از اختیار معنا ندارد ولی فی‌الواقع عامل رفع مجازات زوال اراده است. هم‌چنین قانون‌گذار در ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی در بحث از اجبار معنوی از واژه اختیار استفاده کرده است مسلم است آنچه در اجبار معنوی زایل می‌گردد به دلیل آن مسئولیت رفع می‌گردد زوال اراده است نه اختیار. در قانون مدنی نیز قانون‌گذار در مواردی رضا را جایگزین اختیار کرده است چنانچه در مواد ۱۹۰ و ۱۰۷۰ قانون مدنی آنچه موجب تحقق اکراه می‌گردد را عدم رضا دانسته است بنابراین ملاحظه می‌شود تعاریفی را که در مورد اختیار و رضا در اصول کلی فقهی و حقوقی وجود دارد در قانون رعایت نشده است. شارحین جزایی ما هم در این خصوص نظرات متفاوتی را بیان کرده‌اند گاهی به تبعیت از فقه اختیار به معنای مختلف در برابر اجبار و اکراه قرار شده است گاهی هم برگرفته از مفهوم فلسفی اختیار آن را در سنجش سود و زیان و تصدیق مصلحت از روی تعقل سلیم تعریف کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

مباحث مربوط به اختیار و نقش آن در مسئولیت اخلاقی انسان عمری به درازای طول عمر بشر دارد فی‌الواقع ما تاریخ ابتدای حقیقی بحث از اختیار را نمی‌دانیم ولی از ابتدا عقیده بر این بود که آدمی در امر مربوط به زندگی روزمره خود اختیار نداشته و کاملاً مقهور فرامین الهی می‌گردد لذا فاقد مسئولیت اخلاقی است رفته‌رفته با پیشرفت علوم مختلف از جمله فلسفه و فقه بحث آزادی انسان و داشتن اختیار در اعمالی که انجام می‌دهد مورد توجه قرار می‌گیرد و اختیار به‌عنوان مبنا مسئولیت اخلاقی انسان مطرح می‌گردد؛ بنابراین ماهیت اختیار در علوم مختلف به بحث و مجادله گذاشته شد به‌گونه‌ای که در فلسفه اختیار اراده‌ای تعریف می‌شود که مبتنی بر سنجش ضرر و زیان و تصدیق به مصلحت از روی تعقل سلیم باشد در فلسفه بر سر ماهیت اختیار اختلاف نظر حاصل می‌گردد به‌گونه‌ای که عده‌ای واژه اختیار را در مقابل جبر به کار می‌برند و در این معنی شخص مختار را کسی می‌دانند که دارای اراده و اختیار است و افعال خود را با خواست و تصمیم خود انجام می‌دهد عده‌ای واژه اختیار را در مقابل اکراه بکار می‌برند بدین معنی که انسان مختار و مکره هر دو افعالشان را از روی اراده و قصد انجام می‌دهند و تفاوت آن دو در این است که انسان مختار دارای طیب نفس و رضایت باطنی و میل هم هست و با شوق و رغبت و رضا کاری را انجام می‌دهد ولی انسان



مکره طیب نفس ندارد و اگر به میل خود بود انجام نمی‌داد. هم‌چنین مستی از عوامل رافع مسئولیت کیفری که همانند صغر و جنون امکان انتساب جرم را به مرتکب زایل می‌کند علی‌رغم اختلاف در تعریف مستی از نظر منشأ یا عوارض آن باید گفت که مقنن کیفری ایران مستی را به‌گونه‌ای که سالب اراده و اختیار فرد باشد در جرائم مستوجب قصاص مورد توجه قرار داده است. مع‌هذا با وجود این رفع خلأهای قانونی در خصوص امکان اخذ دیه یا بار کردن مجازات تعزیری بر قاتل مست؛ رفع ابهام در تأثیر مستی در مجازات‌های حدی و دیه؛ ضروری است و به نظر می‌رسد توسعه تعریف مستی به حالت‌های برخاسته از استعمال قرص‌های روان‌گردان و مواد مخدر با مصالح اجتماعی انطباق دارد.

منابع

۱. اخگر، زینب (۱۳۹۷)، **تأثیر مستی بر مسئولیت کیفری در فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران**، پایان‌نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۵)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات میزان.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۲)، **حقوق جزای عمومی**، جلد اول، شصت‌ویک، تهران: انتشارات میزان.
۴. ارژنگ، اردوان و شاکر، محمدحسین (۱۳۹۹)، **مستی به‌مثابه رافع مسئولیت کیفری؛ ابهام ناموجه در سیاست جنایی تقنینی با تأکید بر فقه، دو فصل‌نامه پژوهش‌نامه حقوق کیفری**، ۱۱(۲۲): ۲۷-۷.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، **مبسوط در ترمینولوژی حقوق**، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
۶. حسینی، محمدحسن و شاهچراغ، سید حسین (۱۳۹۹)، **تحولات ناظر بر تأثیر مستی در مسؤولیت کیفری با تأکید بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲؛ رویکردهای نوین و چالش‌ها، دو فصل‌نامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، ۲۲(۱): ۲۰۶-۱۸۵.
۷. حسینی، سید محمد، امین فرد، محمد و فرشی، حمید (۱۳۹۴)، **بررسی تطبیقی تأثیر ازاله عقل به‌واسطه‌ی مواد سکرآور بر مسئولیت، فصل‌نامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی**، ۳۹(۵۴): ۴۴-۳۳.
۸. دائمی، حمیدرضا (۱۳۹۲)، **راهنمای علمی پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان**، چاپ نخست، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۹. دهداری فر، معصومه و جزایری، سید عباس (۱۴۰۱)، **مستی و درجات آن از منظر پزشکی قانونی، حقوق کیفری ایران و فقه امامیه، فصل‌نامه پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای**، ۳(۳): ۵۳-۳۴.
۱۰. دهقانی، مسلم (۱۴۰۰)، **حد شرب خمر از دیدگاه اهل سنت و شیعه، فصل‌نامه تحقیقات حقوق قضایی**، ۴(۱): ۴۳۲-۴۱۱.
۱۱. رضا دوست، کریم، هاشمی، اسماعیل و زکوی، اسماعیل (۱۴۰۰)، **بررسی تأثیر برخی متغیرهای اجتماعی بر گرایش جوانان به مصرف الکل (مورد مطالعه: شهر اهواز)، فصل‌نامه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**، ۲۱(۵۷): ۵۴-۳۳.
۱۲. رعیتی، علی (۱۳۸۲)، **مفهوم مسؤولیت کیفری و عوامل رافع آن هم سو با قانون مجازات عمومی سوریه، مجله رهنمون**، ۲(۱): ۱۳۰-۱۰۱.
۱۳. صفری، محمدرضا (۱۳۹۶)، **مسئولیت کیفری (مستی) در فقه و حقوق افغانستان و ایران، فصل‌نامه گفتمان حقوقی**، ۱۲(۱): ۵۱-۲۹.
۱۴. علوی، جلال و مریوانی، ناصر (۱۳۹۱)، **مستی و تأثیر آن بر احکام تصرف مست در فقه اسلامی، فصل‌نامه پژوهش‌نامه مبانی فقهی حقوق اسلامی**، ۹(۲۶): ۱۴۲-۱۲۱.
۱۵. علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵)، **حقوق جنایی**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوسی.
۱۶. فتحی، مرتضی، ساریخانی، عادل و رضایی، رضا (۱۴۰۰)، **تأثیر مستی بر مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران، اسکاتلند و فقه اسلامی، فصل‌نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، ۸(۲۷): ۱۰۶-۷۹.
۱۷. فرومدی، علی‌اکبر (۱۴۰۰)، **بررسی شیوع مصرف الکل در ایران از منظر جامعه‌شناسی جنایی، فصل‌نامه پژوهش‌های حقوقی**



قانون یار، ۵ (۲۰): ۳۶۳-۳۷۶.

۱۸. مرتاضی، احمد و داعی، لیلیا (۱۳۹۹)، بررسی تطبیقی ماهیت و آثار علل نسبی رافع یا مانع مسئولیت کیفری در حقوق ایران و مصر، *فصل نامه تعالی حقوق*، ۴ (۱): ۳۳-۵۹.
۱۹. نجفی ابرنآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.



The Conceptual Realm of Disenfranchisement Due to Intoxication (In The Approach of Health Law and Forensic Medicine)

Mehrdad Teymouri

PhD, Criminal Law & Criminology, Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran (Corresponding Author)
mehrdadteymoori1@gmail.com

Moharram Izadi Ajirloo

PhD Student in Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.
izadiajirloo.m@gmail.com

Abstract

Background & Aim: In order for someone to be held responsible for his actions, he must be free while committing the crime. One of the most important topics is discretionary rights. Because the determination and diagnosis of being incapacitated due to drunkenness is one of the important factors in removing criminal liability. Therefore, the purpose of this article is to examine the conceptual realm of deprivation of discretion due to intoxication in health law and forensic medicine.

Method: This research has analyzed the collected information by using the methods of collecting information through library studies and adapting it to the theories of jurists, scholars and legal doctrine with a logical method and intellectual independence.

Findings: The findings of the research indicate that the legislator of Iran has dealt with the issue of drunkenness in various cases and has also stated the types and types of drunkenness under the form of intentional drunkenness, accidental drunkenness and chronic drunkenness with different sentences in the form of being deprived of discretion and as one of the Factors that reduce criminal liability are known. As in forensic medicine, it is used as an expert authority regarding the obtaining of a certificate based on the presence of alcohol in a person's blood for the purpose of making a judicial decision.

Conclusion: According to the results of the research, drunkenness is one of the factors that reduce criminal responsibility, which, like insanity and insanity, makes it impossible to attribute the crime to the perpetrator, despite the difference in the definition of drunkenness in terms of its origin or complications, it should be said that the Iranian criminal law defines drunkenness as a violation of the individual's will and discretion. He has paid attention to the crimes that require retribution. However, despite this legal loopholes regarding the possibility of collecting ransom or imposing punishment on a drunken murderer; Clearing the ambiguity in the effect of drunkenness in Hadi and Dieh punishments; It is necessary and it seems that the development of the definition of drunkenness to the states arising from the use of psychoactive pills and narcotic drugs is compatible with social interests.

Keywords: Drunkenness, Incapacitated, Criminal Liability, Health Law, Forensic Medicine.